

## فرانس فوتبال (فرانسه)

تیتِر «یووفون پارِیسی» به معنای آغاز حضور دروازه‌بان معروف ایتالیایی درون دروازه پاری سن ژرمن پس از ۱۵ سال حضوردر یوونتوساست.جیان لویجی بوفون۴۰ساله که شایعات استفاده مجدد از وی در تیم ملی ایتالیا (با رهبر جدیدش روبرتو مانچینی) هم شنیده می شود، در مراسم معارفه خود در پاریس گفت برای قهرمانی های تازه به سن ژرمن آمده و مطمئن است که این تیم پرستاره توان انجام این مهم را دارد.



### کوبوره دلو اسپورت (ایتالیا)

گراندپرِی سیلور استون بریتانیا، یکی از تورنمنت‌های ۲۰گانه ائومبیلرانی فرمول یک جهان با قهرمانی سباستین فتل آلمانی همراه شد اما جنگ کلامی همسر رایکونن، راننده فنلاندی با لولئیس میلتون، راننده بریتانیایی بر این مسابقات سایه انداخت. پس از برخورد ائومبیل های حامل همپلتون و رایکونن، همسر رایکونن خطاب به همپلتون گفت: «مثل دخترها گریه نکن. با این وضع بهتر است به جای ائومبیلرانی، بالرائی بازی کن!»



### لنس (برزیل)

۲۴ ساعت بعد از برخورد دوگانه‌ای که با تیم ملی فوتبال برزیل در بازگشت به کشورش پس از حذف از جام جهانی صورت پذیرفت (از استقبال جوانان در فرودگاه تا سنگ اندازی مردم در کنار جاده به سمت اتوبوس حامل بازیکنان) فدراسیون فوتبال برزیل کنکاشی پیرامون آینده این تیم را آغاز کرده است. گفته می شود با وجود شکست سلسائو مقابل بلژیک دریک چهارم نهایی، تیتهدر مقام سرمربی این تیم باقی می شود.



## ورزشی

امشب؛ دومین دیدار نیمه نهایی جام جهانی ۲۰۱۸

### انگلیس جوان مقابل کرواسی خسته

**جام جهانی**
**وصال روحانی**
خبرنگار

از ساعت ۲۲/۳۰ امشب در دومین مسابقه از مرحله نیمه نهایی جام جهانی فوتبال۲۰۱۸، تیم‌های ملی انگلیس و کرواسی در روزشگاه مدرن شده لوژتیتکی شهر مسکو رو در رو می ایستند. در جامی که به سبب اروپایی بودن هر چهار تیم نیمه نهایی، نتایج حاصله تفاوت چندانی برای سران فوتبال قاره و پویزه یوفا ندارد. انگلیست و کرواسی با جدیت هر چه بیشتر به دیدار امشب می نگرند تا شانس فینالیست شدن و یک قهرمانی ناب غیرمنتظره را از دست ندهند. اگر انگلیس یک رکوردآشکار بر کرواسی در دیدار امشب داشته باشد، سرحال تر بودن این تیم است زیرا «سه شیرها» از دیدار مرحله یک‌چهارم نهایی خود مقابل سوئد در مسابقه‌ای ۹۰ دقیقه‌ای عبور کردند و کارشان فقط برابر کلمبیا به ضربات پنالتی کشیده شد حال آن که کار کرواسی چه مقابل دانمارک و چه برابر روس ها به ۱۲۰ دقیقه و ضربات پنالتی کشیده شد و از هر جهت تخلیه انرژی شدند و انگلیس حتی به حکم جدول نیز یک روز بیشتر از کروات‌ها وقت استراحت برای دیدار نیمه نهایی خود داشته است. به لحاظ فنی نیز تیم جوان شده و پر استعداد انگلیس برتری‌های محسوسی را بر کرواسی به نمایش گذاشته و تعداد نفرات کلیدی و عمده در اردوی انگلیس بیشتر از همتاهایشان در اردوی کرواسی است. با این حال لوکا مودریچ که از بهترین‌های جام بیست و یکم بوده، بسیاری از کمبودهای فنی را در اردوی کرواسی یک‌تنه بی اثر کرده و با اینکه متکی بودن بیش از حد تیم کرواسی به وی به عنوان هافبک وسط محوری در جای خود یک ضعف به حساب می آید اما زلاتکو دالیچ، سرمربی کروات‌ها توانسته است از لژیونرهای پرتعداد کشورش که در اینچا و آنچای اروپا یخش اند، یک جمع مشکل سازد. دیگر سلاح ویژه در اردوی کرواسی، دروازه بان این تیم به نام دانیل سوباشیچ است که در جنگ ضربات پنالتی مقابل دانمارک و روسیه رقابنی را از میدان به‌در کرد که سنگربانی مثل کسپر اشماکیل و سرگی اکین‌فیف را در داخل آخرین سنگر خود داشتند. امشب یک تست مهم برای کل خط دفاع کرواسی خواهد بود که باید ثابت کند که توان رویارویی با مهره‌هایی فنی و جوان مثل لینگارد، واکر، استرلینگ و دله‌الی را دارد را بخیر و خیلی‌هایی‌ها می‌پرسند آیا این خط دفاعی آماده تقابل با هری کین، پیشتاز گلرزان جام بیست و یکم هست یا خیر. برنده دیدار امشب هر یک از دو تیم فوق باشند، یکشنبه شب آینده (۲۴ تیرماه) در مسابقه فینال مقابل برنده نخستین دیدار نیمه نهایی خواهد ایستاد. مسابقه‌ای که دیروقت دیشب بین فرانسه و بلژیک برگزار شد.

### ابقای سمپانولی باسیم!

در پی اعلام ابقای خورخه سمپانولی در تیم ملی فوتبال آرژانتین، نشریه معروف «اوله» این کشور به طعنه نوشت: «اورا با سیم نگه داشته‌اند» که در فرهنگ آرژانتین اشاره به حل مشکلات از ساده‌ترین راه به شمار می آید. در حالی که برکناری سمپانولی از سرمربیگری آرژانتین حتمی به نظر می رسید، فدراسیون فوتبال این کشور در اقدامی عجیب، وی را تا زمان برگزاری تورنمنتی ویژه زیر ۲۰ ساله‌ها در والنسیا ابقا کرده و قرار است در پایان این تورنمنت کل عملکرد وی بررسی و درباره او اتخاذ تصمیم شود. این در حالی است که مطبوعات مرکزیک گزارش داده بودند که سمپانولی گزینه شماره یک مربیگری تیم کشورشان است.

### تورس رسماً به لیگ ژا این پیوست

فرناندو تورس پس از ۱۷ سال بازی در سطح یک اروپا، رسماً به باشگاه ژاپنی ساگان توسوپیوست. مهاجم سابق ائلتیکومادریدبرای این باشگاه در ۲

دوره نزدیک به ۲۷۰ بازی انجام داد و

۹۵ گل به ثمر رساند. وی در باشگاه‌های

لیورپول، چلسی و میلان بازی کرد. به این ترتیب

پس از آندرس اینیستا، یک اسپانیایی دیگر هم فصل آینده در لیگ ژاپن بازی خواهد کرد.

### روس‌ها در اندیشه میزبانی المپیک

روس‌ها بر این باور هستند که بعد از برگزاری مسابقات جام جهانی می‌توانند میزبانی یکبارهای المپیک را بگیرند. در این ارتباط «ارکادی دورکوویچ»، رئیس کمیته سازماندهی مسابقات روز گذشته در مصاحبه با خبرنگاران از کشورش به عنوان برگزارکننده قدرتمند بازی‌های جام جهانی فوتبال نام برد. این مقام افزود: «امیدواریم زمانی به بهانه برگزاری خوب بازی‌ها، بتوانیم امتیاز میزبانی المپیک را بگیریم. باید اوضاع را در چند سال آینده مورد ارزیابی قرار دهیم و بعد تصمیم‌گیری کنیم. البته اکنون در این مورد صحبت کردن خیلی زود است. بخصوص که در صورت رسیدن به موضوع که برگزارکننده المپیک باشیم، در نهایت رئیس جمهوری و دولت حرف نهایی را در این مورد خواهند زد.»

### سخنگوی کرملین جواب بازیکنان کرواسی را انداد

دیمیتری بسکوف، سخنگوی کرملین از اظهار نظر صریح درباره موضعگیری سیاسی اخیر برخی بازیکنان کرواسی طی پیروزی شان مقابل روسیه در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ سر باز زد. دوماگووی ویدا، مدافع – هافبک کرواسی پس از گل کردن پنالتی شان مقابل روس‌ها با توجه به اختلاف شدید سا‌های اخیر دولت مسکو با دولت کی یف فریاد زده بود: «رود بر او کراین.» یا این حال بسکوف دیروز گفت: در فوتبال، سیاست جایی ندارد و ما فقط یک بازی فوتبال را به کرواسی باختیم و هیچ پیامد و مساله‌ای سیاسی در این ارتباط وجود ندارد.

### سفر مالک یووه به یونان برای دیدار با رونالدو

در ادامه اقدامات یوونتوس برای جذب کریس رونالدو، آندره انیلی مالک یوونتوس که خاندانش از مالکان اصلی قیات، شرکت ائومبیل سازی، حامی اصلی یووه هم بوده‌اند، دیروز راهی یونان شد تا با رونالدو دیدار و گفت‌وگو کند. ماروتا، مدیرکل یووه نیز در این سفر در کنار انیلی است و دلیل سفر رونالدو به یونان، استقرار در جزیره پلویونسوی این کشور به قصد گذراندن تعطیلات تابستانی است. دیروز بعضی مطبوعات اسپانیا هم گزارش کردند تلاش جولن لوپتگی، سرمربی جدید رئال برای متقاعد کردن رونالدو به ادامه حضور در رنابنوبی حاصل مانده است.

### هجوم ۱۰ هزار انگلیسی به مسکو

در استقبال از بازی حواس امشب انگلیس با کرواسی در شهر مسکو، چیزی حدود ۱۰ هزار تن از هواداران معمولاً تندرو انگلیس که در میان شان هولیگان‌ها هم کم نیستند، به سمت این شهر روانه شده‌اند. انگلیس برای نخستین بار از سال ۱۹۹۰ به بعد است که به نیمه نهایی جام جهانی رسیده است.

■ سال بیست و چهارم ■ شماره ۶۸۲۳

■ چهارشنبه ■ ۲۰ تیر ۱۳۹۷

فوتبال بازی می‌کنم. دیگه نباید نگران چیزی باشی»

۶ ساله بودم که از پدرم پرسیدم: «بابا، واسه فوتبال حرفه‌ای بازی کردن، باید چند ساله بشم؟» گفت: «۱۶ساله»، گفتم: «آهان، باشه». زمان گذشت و این رویا در حال روی دادن بود. بگذارد چیزی را بگویم. تمام فوتبال‌هایی که بازی کردم، برای من حکم فینال را داشتند. وقتی درپارک‌بازی می‌کردم، آن مسابقه برایم فینال بود، وقتی در مهدکودک بازی می‌کردم، آن مسابقه هم برایم فینال بود. عادت داشتم موقع شوت زدن سعی کنم توپ را بترکانم! با تمام قدرت. من بازی فیفا نداشتم. پلی استیشنی هم در کار نبود. به همین خاطر من فوتبال بازی نمی‌کردم؛ سعی می‌کردم رقیبم را شکتم.

قدم شروع به بلندتر شدن کرده بود و برخی معلم‌ها یا والدین بچه‌ها به من استرس وارد می‌کردند. اولین باری را که یکی از آنها خطاب به من گفت: «هی بچه، چندسالته؟ کجا به دنیا اومدی؟» فراموش نمی‌کنم. گفتم: «چی؟ شوخیت گرفتم؟» وقتی ۱۱ ساله شدم، برای تیم جوانان لیرس بازی می‌کردم. یک بازیکی از والدین بچه‌ها تقریباسعی داشت نگذارد من بازی کنم. به من گفت: «این بچه چندسالته؟ شناسنامه‌اش کو؟ اهل کجاست؟» با خودم فکر کردم: «اهل کجام؟ من توی آنتورپ به دنیا

خندید. بله به من خندید. گفتم: «بیا شرط ببندیم.» گفت: «اما اگر تا دسامبر ۲۵ تا گل نزنی، دوباره می‌ری روی نیمکت.»

گفتم: «باشه». اما اگر من بردم، شما همه ون‌هایی رو که بازیکن‌ها روز سر تمرین به خونه می‌بره تمیزی کنیم.»



می‌کرد. بعد آن راتکان داد، می‌دانید؟ هیچ نمی‌دانستم چرا آن کار را می‌کند. بعد ناهارم را برابرم آورد و طوری رو من لیخند زد انگار همه چیز عادی است. اما همان لحظه فهمیدم چه خبر است. او داشت آب را قاتی شرمی می‌کرد. چون پول کافی نداشتم باز شیر بخیرم و ناچار بودیم کاری کنیم که بطری شیر تمام هفته دوام بیاورد. ما بی پول بودیم. نه فقط فقیر، بلکه کاملاًبی پول.

پدرم فوتبالیستی حرفه‌ای اما در شرف بازنشستگی بود و دیگر پولی در بساط نداشتم. اولین چیزی که فروختم تلویزیون‌مان بود. دیگر خبری از تماشای فوتبال نبود. دیگر نمی‌توانستیم مسابقه روز را ببینیم. شبی به خانه آمدم و دیدم ناگهان لامپ‌ها خاموش شدند. دو سه هفته‌ای برق هم نداشتم. بعد یک بار خواستم دو شب بگیرم، اما آب گرم هم نداشتم. مادرم روی اجاق، آب راتوی کتری گرم کرد و من زیر دوش آب ایستادم و آب کتری را فحنان فحنان روی سرالمی ریختم. حتی زمان‌هایی بود که مادرم از ناسولی پایین خدیان‌نان «قرض» می‌گرفت. نانوا من و برادر کوچکم رامی شناخت به همین خاطر اجازه داده بود مادرم روز دوشنبه نانی برادر و پولش را روز جمعه بدهد.

می‌دانستم در سختی و مشقت هستیم. اما زمانی که آب را با شتر قاتی کرد، فهمیدم همه چیز تمام شده است؛ می‌دانید چه می‌خواهم بگویم؟ این زندگی ما نبود. هیچ نگفتم، نمی‌خواستم به او استرس وارد کنم. فقط شامم را خوردم. اما آن روز قسم خوردم و به خودم قولی دادم. انگار کسی یکباره از خواب بیدارم کرده بود. خوب می‌دانستم از این به بعد چه باید بکنم. نمی‌توانستم ببینم مادرم در چنین وضعی زندگی می‌کند. نه، نه، نه، نه. نمی‌توانستم. فوتبالی‌ها دوست دارند درباره قدرت ذهنی صحبت کنند. خب، من قوی‌ترین آدمی هستم که در زندگی‌تان دیده‌اید. زیرا در تاریکی وسکوت، همراه با برادر و مادرم می‌نشستم، فکر می‌کردیم، باور می‌کردیم و می‌دانستیم یواختره روز اتفاق می‌افتد. مدتی رازم را توی دنگ نگه داشتم اما روزی به خانه آمدم و دیدم مادرم دارد گریه می‌کند. به او گفتم: «امامان، همه چیز درست می‌شه. قول می‌دم اوضاع ما این طوری نمی‌مونه. من



اومدم. خب معلومه که اهل بلژیکم». پدرم هم‌راهم نبود. چون ماشین نداشتم که بتواند به مسابقه‌های راه دورم بریاید.

خودم بودم؛ تک و تنها. بنابراین باید از خودم دفاع می‌کردم. رفتم. و از توی کیفم شناسنامه‌ام را بیرون آوردم. به

دست او دادم. او هم به دست بغلی‌اش داد و شناسنامه‌ام هم طویرون دست به دست می‌چرخید. خون زیر پوستم می‌جهید و با

خودم فکر می‌کردم اگر تا قبل از این می‌خواستم پسرتر را بکشم، حالا می‌خواهم توی زمین نابودش کنم. مجبوریم تمام راه برگشت به خانه، به صدای گریه کردنش گوش کنی.

می‌خواستم بهترین بازیکن تاریخ بلژیک

باشم. این هدفم بود. نه بازیکنی خوب، نه بازیکنی عالی. فقط بهترین بازیکن. با خشم زیادی بازی می‌کردم… علنتش هم خیلی چیزها بودند. به خاطر موش‌هایی که در

آپارتمان‌مان این طرف و آن طرف می‌دویدند. به خاطر اینکه لیگ قهرمانی را نمی‌توانستم

از تلویزیون تماشا کنم. به خاطر طرز نگاه کردن معلم‌ها و والدین به من. من مأموریتی

داشتم. وقتی ۱۲ ساله بودم، در ۳۴ بازی، ۷۶

گل زدم. تمام آنها را با کفش پدرم زده بودم. از وقتی اندازه پیمانان یکی شده بود، این کفش

را مشترک به پا می‌کردیم. روزی به پدربزرگم، پدر مادرم، تلفن کردم. او یکی از مهم‌ترین

آدم‌های زندگی من بود. او نقطه اتصال من با کنگو، جایی که پدر و مادرم متولد شده بودند. یک بار روز داشتم با او تلفنی صحبت

می‌کردم و به او گفتم: «آره… خیلی خویم. من ۷۶ تا گل زدم و تیممون برنده شده. حالا

تیم‌های بزرگ متوجه من شده‌اند.» او همیشه می‌خواست درباره اوضاع فوتبال بازی کردنم

بداند. اما این بار فشارش عجیب بود. گفتم: «باشه روم. باشه… عالی». اما می‌تونی کاری

واسم انجام بدی؟» گفتم: «آره… چی؟» گفت:

«می‌تونی مراقب دخترم باشی؟ خواهش می‌کنم.» یادم می‌آید کاملاً گیج شده بودم و با

خودم فکر می‌کردم پدربزرگ درباره چه حرف می‌زند. گفتم: «امامان؟ آره… ما با هم خوبییم.»

گفت: «نه بهم قول بده. می‌تونی قول بدی؟»

مراقب دخترم باش. به خاطر من مراقبش

باش.» گفتم: «باشه بابابزرگ. فهمیدم. بهت

بازی‌ام می‌دهند یا نه. نمی‌دانم

چه خبر است. فقط چشم از تلویزیون بردنار.» دقیقه شصت و سوم، سرمربی من را

جایگزین کرد. در ۱۶ سالگی و ۱۱ روزگی در زمین برای اندرلشت دویدم. ما آن روز باختیم، اما

برای آنکار در آسمان پرواز می‌کردم. قولم رابه مادروپدر بزرگم داده کرده بودم. همان لحظه بود

که فهمیدم اوضاع ما رویه راه می‌شود.

فصل بعد، مشغول تمام کردن سال آخر دبیرستانم بودم و هم‌زمان در لیگ اروپا بازی

می‌کردم. عادت داشتم با خودم کیف بزرگی به مدرسه ببرم تا عصرها پرواز کنم. ما لیگ را

برددیم و دومین بازیکن برتر آفریقایی سال شدم. این… فوق العاده بود. در واقع انتظار

داشتم که همه این‌ها اتفاق بیفتند، اما نه اینقدر سریع. رسانه به ساخته شدن جایگام کمک

می‌کرد و باعث بالا رفتن انتظارها از من می‌شد. پویزه در تیم ملی. به‌هر دلیلی، من برای بلژیک

خوب بازی نمی‌کردم. یک جای کار نمی‌لنگید. اما، در چشم هم‌هم زدنِ ۱۷، ۱۸، ۱۹ساله

شدم. وقتی همه چیز خوب پیش می‌رفت، یادداشت‌های روزنامه‌ها رامی‌خواندم که من را

رومولو لوکاگو، مهاجم بلژیک خطاب‌می‌کردند. رومولو وقتی اوضاع زیاد هم خوب نبود، من را روملو

لوکاگو، مهاجم بلژیکی با ریشه‌های کنگویی خطاب‌می‌کردند.

هیچ اشکالی ندارد اگر کسی بازی من را دوست ندارد. اما من اینجام‌تولد شده‌ام. در آنتورپ ولیژ

و بروکسل بزرگ شده‌ام. رؤیای من بازی کردن در اندرلشت بود. رؤیای من بخشی از وینست

کمپانی بودن، بود. من جمله‌ای را در زبان فرانسوی شروع می‌کنم و به زمان آلمانی تمام

می‌کنم و بسته به اینکه چه کسی کنارم باشد، چند کلمه هم به زبان اسپانیایی یا پرتغالی

می‌گویم. اما من بلژیکی هستم. نمی‌دانم چرا در کشورم، بعضی‌ها دوست دارند من شکست

بخورم. وقتی به چلسی رفتم و بازی نمی‌کردم، می‌شنیدم که برخی به من می‌خندیدند.

اما اشکالی ندارد. می‌دانید چه چیزی یابمه است؟ وقتی بچه بودم، ۱۰ سال بازی‌های لیگ

قهرمانی را ندیدم. نمی‌توانستیم تلویزیون بخیریم. به مدرسه می‌آمدم و بچه‌ها تمام

مدت درباره فینال صحبت می‌کردند و من هیچ نمی‌دانستم در مسابقه چه اتفاقی افتاده

منبع: theplayerstribune.com